



## توسعه صادرات غیر نفتی، لزوم و اهمیت آن در اقتصاد کشور

○ مسلم فرضعلی پور

### اشاره:

متنی که در پیش رو دارید، نگاهی دارد بر اهمیت موضوع صادرات و توسعه آن و تأکید بر کسب درآمد از محصولات غیر نفتی در بخش صادرات که در نهایت راهکارهایی را در جهت توسعه صادرات غیر نفتی بیان می‌دارد. امید است با پیش‌بینی راهکارهای مناسب همانند ایجاد باور و انگیزه، عزم ملی برای صادرات، گسترش فرهنگ تولید رقابتی، معرفی صادرکنندگان نمونه و برتر، پی‌گیری اهداف صادراتی و گسترش آموزش‌های تخصصی، روند توسعه صادرات بهبود یابد.

شکی نیست کشوری که اقتصاد آن بر محور تک‌محصولی باشد در تحولات اقتصادی (بحران‌های اقتصادی) بیشتر در معرض خطر بوده و در این بحرانها و تحولات ضربه پذیرتر خواهد بود.

از این‌رو توجه به صادرات غیر نفتی و توسعه آن در بخشهایی نظیر صنعت، معدن، کشاورزی و خدمات می‌تواند کشورمان را در جریان تحولات و بحرانهای مختلف و ابتلا به بیماری اقتصادی، نجات دهد. چرا که وابستگی به

درآمدهای نفتی در بسیاری از کشورها همچون شمشیر دودم عمل نموده است. اتکا به درآمدهای نفتی و تداوم این رویکرد در برنامه اول و دوم توسعه موجب ناپایداری در بهبود شاخص‌ها و نوسان در رشد اقتصادی گردید. به گونه‌ای که کاهش قیمت نفت بعنوان اصلی‌ترین منبع درآمد دولت، بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌های پیش‌بینی شده در لوائح برنامه‌های توسعه را در محاق تعطیل یا تأخیر قرار داد. در نقطه مقابل افزایش درآمدهای نفتی در سال ۷۹-۷۸ دولت را با یک درآمد مازاد بیش از ۷ میلیارد دلاری در سال مواجه کرد.

صرف نظر از ابعاد کلی مسئله نفت و درآمدهای حاصله، بحث تورم زدایی شدید این درآمدها از مسائل اساسی در عرصه اقتصادی کشور بود. بنابراین نباید فراموش کنیم که با توجه به تجربه‌های تاریخی کشور و نیز ماهیت بی‌ثبات این محصول و تأثیر پذیری از آن و به عبارت صحیح‌تر آسیب‌پذیری شدید اقتصاد در برابر تحولات و کنش‌های بین‌المللی بر کسی پوشیده نیست. چرا که گرایش عام و درازمدت دولت و سیاست‌گذاران حال و

آینده کشور در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی می‌بایست بر کاهش هرچه بیشتر و سریع‌تر از وابستگی به درآمدهای نفتی متمرکز باشد. از یاد نبریم که دوره‌های پروتق درآمدهای نفتی همواره زودگذر و پرافت و خیز بوده و خاصیت اغواکنندگی طلای سیاه (نفت) می‌تواند به بلای سیاه بدل گردد. تکیه بر درآمدهای نفتی در سالهای ۷۰ تا ۸۰، در طولانی مدت مشکلات فراگیر و ساختاری را برای کشور ایجاد و فراهم کرد. بدین ترتیب موفقیت برنامه اصلاحات اقتصادی (سیاست خصوصی سازی، آزادسازی اقتصادی و...) مشروط به قطع وابستگی از درآمدهای نفتی و یا لاقط کاهش آن به حدی است که باید به عنوان یکی از چندین منابع همتراز درآمدی تبدیل گردد.

امروزه ثابت شده است که تکیه بر صنایع مبتنی بر مواد اولیه (همانند صنایع نفتی که تولیدکننده مواد اولیه برای کشورهای صنعتی می‌باشد) نمی‌تواند انتظار دولت برای صنعتی شدن و تنوع بخشیدن به تولیدات را تأمین نماید. بنابراین باید بین تولیدات و مصرف مواد

اولیه نوعی تعادل ایجاد شود. در این شرایط است که از شکل‌گیری بی‌ثباتی‌های اقتصادی مبتنی بر تولید تک‌محصولی جلوگیری به عمل آید. در این رابطه گفتنی است علی‌رغم تلاشهایی که در طول برنامه اول و دوم توسعه به عمل آمده لیکن با توجه به حجم و نسبت صادرات و واردات و درآمدهای حاصله از نفت در مقایسه با صادرات و درآمدهای غیرنفتی، اقتصاد کشور ما همچنان چون اقتصاد تک‌محصولی مبتنی بر نفت است.

در روزگار نزدیکی و ادغام هرچه بیشتر بازارهای جهانی، حفظ استقلال و ابتکار عمل برای ملت‌ها، تنها با آگاهی هر چه ژرفتر از فرآیند پیچیده اقتصاد بین‌المللی بدست می‌آید و تضمین عزت و استقلال سیاسی، جز با حضور فعال و قدرتمند در عرصه اقتصادی جهان میسر نیست. طراحی این حضور نیازمند تحقیقات جدی علمی است. تصمیمات و مصوبات گوناگون اقتصادی در امور صنعتی، کشاورزی و بولی، مالی و... اگر از ویژگیهای هدفمند و سازگار برخوردار نباشد حتی اگر در تحلیل موردی از صحت جزئی برخوردار باشند - در نگاه سیستمی می‌تواند به ناهماهنگی و ناکارآمدی مجموعه بیانجامد.

آنچه اقتصاد کشور ما بدان نیازمند است، شناسایی توانمندیها و بسترهای اقتصاد بومی و ملی و فرهنگ کشور است. وضعیت اقتصادی هر کشوری بطور جدی از وضعیت مطالعات اقتصادی آن اثر می‌پذیرد. صاحب‌نظران اقتصادی باید هرچه بیشتر به مطالعات بالینی بپردازند و مدیریت اقتصادی کشور نیز باید هر چه علمی‌تر شود.

اگر بخواهیم در یک نگاه بسیار گذرا به وضع اقتصادی موجود نگاهی بیفکنیم، چنین خواهیم دید که اتکاء کشور به پیامدهای حاصل از صدور نفت خام به دلیل نوسانات شدید قیمت و محدودیت‌های جدی در تولید، همواره درآمدهای دولت را تحت تأثیر جدی قرار داده و در نتیجه توان خرید مواد اولیه و موردنیاز کشور، و هم توان خرید فنون و تکنولوژی موجود روز دنیا را برای ما مشکل کرده و بدین ترتیب هر روز روند

رشد و توسعه را در کشور با افت و خیزهای فراوان مواجه ساخته است. در این صورت ادامه وضع موجود قطعاً برای کشور بسیار شکننده و مخاطره‌آمیز است. حتی اگر افزایش درآمدهای نفتی، بدون برنامه‌ریزی راهبردی و کارشناسانه برای مصرف آن، در کشور ما اتفاق بیافتد، باز هم آثار مخربی را بر اقتصاد ما برجا خواهد گذاشت، کما آنکه در گذشته نه چندان دور یعنی طی دوران پیدایش نفت در کشور ما، حتی افزایش قیمت نفت بارها موجبات ایجاد شرایط بسیار نامساعدی را در اقتصاد ملی و حتی در فرهنگ و مسایل اجتماعی ما پدید آورد. رفاه کاذب حاصل از افزایش بی‌رویه درآمدهای نفتی، گسترش فرهنگ مصرفی که در نتیجه این افزایش بی‌رویه در کشور ایجاد می‌شود و نیز پانگرفتن تولید و از همه مهمتر زایل شدن فرهنگ کار و تلاش از مهمترین آثار مخرب اقتصادی و اجتماعی ذخایر نفتی است که قطعاً و یقیناً روزی به پایان می‌رسد.

عامل برونزای نوسانات قیمت‌های جهانی نفت، اختلافاتی را در برنامه رشد و توسعه کشور ایجاد می‌کند. این امر بر کسی پوشیده نیست. علاوه بر این، افزایش جمعیت کشور با رشد شتابانی که در طی دوران گذشته داشته و همچنین روند روبه رشد، شتابان فناوری در دنیا، به زودی شرایطی را فراهم خواهد آورد که درآمدهای نفتی، تکافی لازم برای تأمین نیازهای جامعه ۶۰ میلیونی ما نخواهد داشت و لذا سیاست گریزناپذیر ما حرکت به سمت سیاست توسعه صادرات غیرنفتی است؛ در این راستا مقام معظم رهبری نیز فرموده‌اند آرزوی حقیقی من این است که روزی دریچه‌های نفت را ببندیم و به درآمدهای حاصله از صادرات غیرنفتی تکیه کنیم. لازم به ذکر است که اگر در امر صادرات صرفاً به ارزیابی آن توجه کنیم قطعاً راه به جایی نخواهیم برد بلکه علاوه بر درآمدهای نفتی حاصل از صادرات، درآمدهای حاصل از صادرات غیرنفتی نیز باید به اصلاح سیستم مدیریتی که از محل توسعه صادرات غیرنفتی در بخشهای مختلف صنعتی، معدنی، کشاورزی ایجاد میشود،

توجه ویژه‌ای داشته باشد. با مقایسه اجمالی کشورمان با کشورهای در حال توسعه، تازه صنعتی شده آسیایی، در می‌یابیم که بالارفتن سهم صادرات در تولید ناخالص داخلی آن کشورها طی دوره‌ای که این کشورها به امر توسعه اقتصادی کشورشان پرداختند دلیل مهمی بر این مدعاست. سهم مجموعه این کشورها همواره در بازارهای جهانی به ویژه صادرات، رو به افزایش بوده است ولیکن متأسفانه در کشور ما به رغم افزایش قیمت نفت و محصولات وابسته به آن طی سالهای اخیر (سی سال گذشته) همواره شاهد کاهش سهم جمهوری اسلامی ایران در صادرات جهان بوده‌ایم. البته ناگفته نماند کشور ما نیز در طی سالهای گذشته دچار مشکلات متعددی بوده، محاصره اقتصادی و مواردی نظیر آن، ما را به نوعی عقب ماندگی در صحنه‌های مختلف بین‌المللی واداشت. شاید علت اصلی این افت و حرکت منفی و واپس‌گرایی چه در قبل و بعد از انقلاب، نگاه به بازارهای داخلی است یعنی اگر ما سیاست عمده کشور را از نگاه بازارهای داخلی به سمت نگاه بازارهای بین‌المللی سوق دهیم و همه ساز و کارهای لازم را برای تحقق این هدف در کشور ایجاد کنیم قطعاً سهم مناسبی را در تجارت بین‌الملل به خود اختصاص خواهد داد.

بسی‌شک، هر صاحب‌نظر اقتصادی تواناییهای بالقوه مناسب و امکانات گسترده کشورمان را متناسب با سهم‌مان در تجارت بین‌المللی نمی‌داند. زیرا ظرفیت‌ها و توانمندیهای کشور ما بسیار بالاتر از این سهمی است که در حال حاضر در صحنه بین‌الملل دارا می‌باشیم. ظرفیت تولید در بسیاری از صنایع ما بیش از میزان واقعی تولیدی است که در حال حاضر صورت می‌گیرد اینک باید پرسید چطور؟

ما باید در بخش صادرات قبل از هر چیز فرهنگ صادرات را در کشور ایجاد کنیم و این امری نیست که یک روزه اتفاق بیافتد. متأسفانه فرهنگ صادرات در مسؤولان و مردم و مهمتر از همه در بین صادرکنندگان در سطح بسیار نازل قرار

به دنبال خواهد داشت. صادرات آثار عمده‌ای بر رشد و توسعه اقتصاد یک جامعه دارد که بدون شک نقش کلیدی را در جهت ایجاد یک رشد پایدار ایفا می‌کند، همچنین توسعه صادرات در پس‌انداز داخلی کشور نیز تأثیرگذار بوده و اثر مثبت دارد. لازم به یادآوری است که اقتصاددانان با توجه به عوامل اقتصادی - اجتماعی از جمله رشد سریع جمعیت، افزایش مصرف داخلی، کاهش قیمت نفت، اتمام منابع نفتی در میان مدت، توسعه صادرات را در این برهه از زمان یک ضرورت حیاتی برای کشور دانسته و مکرراً در رابطه با عواقب عدم توجه به این موضوع هشدار داده‌اند.

در بخش صادرات یکسری عوامل مختلف تأثیر گذارند که به اجمال عبارتند از:

۱- عوامل اقتصادی این گروه از عوامل به عنوان اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر صادرات به صورت مستقل در هر محیط، کشور صادرکننده و کشور هدف (واردکننده) عمل می‌کند.

۲- عوامل فنی و علمی: با توجه به رقابتی شدن بازارهای بین‌المللی، امروزه عوامل علمی و فنی از نقش تعیین‌کننده در موفقیت یا شکست در صادرات برخوردار گردیده‌اند. مصداق‌های این گروه عبارتند از: تکنولوژی تولید محصولات، نیروی کار ماهر، مدیریت متخصص، تجهیزات پیشرفته تولید و بسته بندی، تسهیلات مجهز برای حمل و نقل محصولات

۳- عوامل اجتماعی و فرهنگی، امروزه نقش مؤثری در شکل‌گیری تجارت بین‌المللی پیدا کرده بطوریکه مستقلاً مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرند، مواردی نظیر الگوی مصرف، ارزش فرهنگی و مذهبی، نرخ جمعیت و فرهنگ عمومی در این امر، تأثیرگذار در صادرات هستند.

۴- عوامل حقوقی و سیاسی: عوامل سیاسی نظیر ثبات سیاسی کشور سیاست خارجی دولتهای واردکننده و صادرکننده، نظام اداری کشور، عوامل حقوقی نظیر چارچوب نظام حقوقی کشورها، قوانین و مقررات داخلی، تعهدات بین‌المللی. در ادامه مواردی به عنوان پیشنهاد و



**اگر ما سیاست عمده کشور را از نگاه بازارهای داخلی به سمت نگاه بازارهای بین‌المللی سوق دهیم و همه ساز و کارهای لازم را برای تحقق این هدف در کشور ایجاد کنیم قطعاً سهم مناسبی را در تجارت بین‌المللی به خود اختصاص خواهیم داد.**

عامل تهدیدکننده تأمین نیازهای داخلی خود نیاندیشند و بدانند که مازاد محصولی که آنها از محل صرفه جویی ایجاد می‌کنند، امکان رشد و توسعه صادرات غیرنفتی ما را در دنیا فراهم می‌کند.

لازم به توضیح است که جلوگیری از فرآیند توسعه صادرات در کشور، نتیجه‌ای جز فقیرتر کردن مردم در بر ندارد و سیاستهای پولی و مالی ما باید در جهت این امر حرکت کند و سیاستهای تجاری کشور را در این زمینه حمایت و مساعدت نماید و اگر که چنین نباشد چیزی جز فقر، آینده کشور ما را رقم نخواهد زد! جلوگیری از فرآیند توسعه صادرات، قطعاً باعث اختلال در سیستم تخصیص بهینه منابع خواهد شد و مالا به کاهش تولید خواهد انجامید و افزایش قیمت کالاها را

دارد و این یکی از مشکل‌ترین و مصیبت‌بارترین گرفتاریهای ما در امر توسعه صادرات غیرنفتی است. مسؤولان نباید به صادرات به عنوان یک حرکت ارزآور صرفاً برای استفاده در دوران‌های سخت و کاهش درآمدهای حاصل از نفت خام توجه کنند و همچنین به صادرکنندگان نباید به چشم سودجویانی که یکروزه می‌خواهند ره صد ساله را طی کنند بیندیشند و نگاه کنند. صادرکنندگان ما نیز نباید به امر صادرات بعنوان یک امر مقطعی بپردازند بلکه باید آن را یک کار مستمر بشناسند. در مورد بازاریابی، آموزش، لوازم و تجهیزات و امکانات موردنیاز برای رفتن به این راه بسیار پر مخاطره و این رقابت بسیار تنگاتنگ ضروری است، باید توجه جدی داشته باشیم که مردم به صادرات بعنوان یک

صادرکنندگان با تربیت متخصصان کارآزموده، از توان حرفه‌ای کارشناسان خبره بهره ببرند. (تربیت مدیران متخصص و کارآزموده صادرات، بازار یابی و فروش)

همچنین از آن جهت که تولید کنندگانی که تولیداتشان به بازارهای صادراتی روانه می‌شود، با مشکلات و معضلات بسیاری در کشور ما روبرو می‌شوند لذا بر دولت و اولیای امر است تا با اتخاذ شیوه‌های تشویقی خصوصاً با استفاده از یارانه صادراتی، صادرکنندگان را در برخورد با مشکلات موجود یاری نمایند. تجربه ثابت کرده است که در اکثر مواقع، دخالت دولت با افزایش مشکلات صادرکنندگان همراه بوده است. پس مانند یکی از اصول اقتصاد آزاد، نقش دولت تنها باید یک نقش نظارتی باشد تا از راه تدوین قوانین و مقررات کارآمد، روند صادرات را برای صادرکنندگان تسهیل نمایند.

همچنین مانند سایر بخشهای اقتصادی و غیراقتصادی جامعه، دیوان‌سالاری حاکم بر روح فعالیت‌های سازمان‌ها و ادارات دولتی و بعضاً غیردولتی، مانع بسیار بزرگی در راه سرعت و سهولت روند فعالیت‌های صادراتی می‌باشد. مسلماً حذف یا کاهش این مراحل اداری دست و پاگیر، بزرگترین کمک به صادرکنندگان خواهد بود (حذف بوروکراسی اداری).

بدون شک، بسیج امکانات موجود جهت توسعه صادرات بدون شناخت صحیح از بازار هدف امکان‌پذیر نخواهد بود البته شناخت بازار مورد نظر، حتماً باید براساس روشهای علمی و تحقیقات بازاریابی که از طریق فنون کاربردی انجام شده باشند، صورت پذیرد.

یکی از مسائلی که موجب اعتبار بخشیدن به بنگاه صادرکننده کالا و خدمات می‌شود تحویل به موقع کالا یا انجام به هنگام خدمات می‌باشد. این امر، خصوصاً در مورد کالاهای کشاورزی یا کالاهای بورسی که بطور دایم با نوسانات قیمت در بازارهای بین‌المللی و داخلی مواجه هستند، اهمیت خاصی می‌یابد.

نمایشگاه بهترین محل برای شناخت عرضه کنندگان و مصرف کنندگان کالاها

مقرله صادرات در ارتباطند در مجموع سطح کیفی صادرات را افزایش داده و نهایتاً توسعه صادرات را در پی خواهد داشت.

به منظور جهت دادن و هماهنگی واحدهای خرد و کلان صادرکننده و نیز به منظور حمایت و پشتیبانی از آنان در رابطه با مشکلات و معضلات احتمالی در هر مرحله از مراحل صادرات کالا و خدمات، ایجاد رابطه و هماهنگی با سایر سازمانهای ذیربط مانند وزارت بازرگانی، بانک مرکزی و بانکهای تجاری، گمرک و سازمان استاندارد و... یک نیاز اساسی است که به سازمان منسجم ملی صادراتی نیازمند است، زیرا ایجاد پایگاه اطلاعاتی لازم و پوشش اطلاعاتی موردنیاز صادرکنندگان مزایایی به شرح زیر خواهد داشت:

۱- جلوگیری از اتلاف وقت و سرمایه صادرکنندگان

۲- اطلاع‌رسانی به موقع به صادرکنندگان از طریق ایجاد و حفظ فرصت‌های تجاری

۳- جهت و سمت و سو دادن به تولیدکنندگان از طریق مشخص کردن نیازها و نوع تقاضاهای بازارهای بین‌المللی

۴- تبادل اطلاعات بین صادرکنندگان به منظور بهینه‌سازی مراحل صادرات و استفاده از آخرین روشهای علمی بدست آمده در مدیریت فروش و تعمیم آن در بین صادرکنندگان، و نیز تأسیس و توسعه شرکت‌های مدیریت صادرات.

از آنجائی که از نظر جغرافیایی صادرکنندگان در اقصی نقاط کشور پراکنده می‌باشند، لازم است تا مراکزی که به کار ارایه خدمات به صادرکنندگان اشتغال دارند، در سراسر این نقاط توسعه یابند تا دسترسی تماش صادرکنندگان به آنها تسهیل یابد و بدین ترتیب، از تمامی امکانات بالقوه و بالفعل در کشور استفاده گردد. زیرا این امر از طریق توسعه مراکز خدمات صادراتی در تمامی استانهای کشور امکان‌پذیر است.

با توجه به تنوع تکثیر کالاها و خدمات تولید شده و همینطور حضور رقیبای خرد و کلان لازم است که

راهکار جهت شکوفایی و توسعه و رونق صادرات کشور (صادرات غیرنفتی)، ارائه می‌گردد به امید آنکه مورد توجه و استفاده واقع گردد:

جهت رونق بخشیدن به بخش صادرات غیرنفتی باید روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی با کشورهای جهان را توسعه داد شکی نیست که دستیابی به یک اقتصاد پویا و مبتنی بر گردش صحیح کالا و خدمات با پشتوانه سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اصولی پولی و مالی و نهایتاً حصول به رونق اقتصادی از طریق صادرات کالا و خدمات، امکان‌پذیر نخواهد بود مگر با اتکا بر تبیین سیاست خارجی کالا و مبتنی بر منافع ملی تعریف شده و اصل احترام متقابل همچنین عضویت در سازمان جهانی تجارت (WTO) که باعث هماهنگی با سیاست‌های تجاری در عرصه بین‌المللی، خصوصاً در زمینه قیمت‌گذاری دقیق کالاها و خدمات می‌شود. با حذف تعرفه‌های گمرکی و تقلیل موانع وارداتی، با در نظر گرفتن مزیت‌های نسبی که در کشورهایمانند ایران وجود دارد؛ یعنی پایین بودن هزینه عوامل تولید، بستر مناسب‌تری در جهت توسعه صادرات پایدار ایجاد می‌شود.

عامل مهم دیگر در امر توسعه صادرات، ترویج فرهنگ صادرات در جامعه است؛ دیرزمانی است که جامعه تولیدی و خدماتی در کشور ما، با فرهنگ مصرف و الگوی جان‌شینی واردات خو کرده است. اگر بنا را بر توسعه صادرات نهاده‌ایم، ناگزیر از ترویج فرهنگ صادرات می‌باشیم امری که نیازمند عزم ملی و همه جانبه است و در نظر گرفتن آموزش اجباری نیز بسیار مفید خواهد بود، چه بسا بدیهی است که موفقیت راهکارهای صادرات رابطه مستقیمی با فراگیری یافته‌هایی دارد که پیشاپیش توسط صادرکنندگان موفق در سطح بین‌المللی تجربه شده‌اند و بکارگیری تجربیات بدست آمده در طی سالهای متمادی و در مقاطع مختلف، آنها را به شکل قوانین و راهکارهای عملی و کاربردی در آورده است. آموزش اجباری تشکلهای و افرادی که به نحوی از انحا با

و خدمات می‌باشد. در زمینه صادرات نیز، چنانچه مستمراً نمایشگاههای تخصصی در داخل و خارج از کشور برگزار شود صادرکنندگان با مصرف‌کنندگان داخلی و خارجی آشنا می‌شوند که این امر به معنای شناخت بازارهای جدید می‌باشد که با توسعه نمایشگاههای تخصصی - صادراتی در داخل و خارج امکان‌پذیر است.

صادرات، فرآیندی است که بدون حمایت و پوشش مناسب از طرف ارگانها و سازمانهای ذیربط هرگز به سرمنزل مقصود نخواهد رسید. وجود نظام کارآمد بانکی و ارایه‌کننده اعتبارات مالی لازم و همینطور پوشش بیمه‌ای لازم بمنظور ایجاد حاشیه امنیتی مناسب برای صادرکنندگان، امری ضروری و غیر قابل اجتناب می‌باشد (ایجاد تسهیلات مالی، بانکی، بیمه‌ای مناسب از طرف دولت) بدون شک، بازارهای بین‌المللی محل عرضه کالاهای متنوع با کیفیت بالا و متفاوت می‌باشد. در این عرصه، مسلماً صادرکننده‌ای موفق است که بتواند بالاترین و بهترین کیفیت را عرضه کند (بهبود و ارتقای کیفیت کالاهای صادراتی).

اگر صادرکنندگان در امر تصمیم‌گیری‌ها در زمان اتخاذ خط مشی و سیاست‌های خرد و کلان مربوط به صادرات دخیل باشند، در آن صورت مشکلات و تجاری که صادرکنندگان در انجام مراحل صادرات بطور عملی با آن مواجه هستند، مطرح و راه حل آنها در قالب تصمیمات اتخاذ شده ارایه می‌شود (مشارکت صادرکنندگان در تصمیم‌گیری‌ها).

امروزه آنچه در صادرات نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند، موضوع شناخت صحیح و کامل از بازار می‌باشد و این مهم قابل دستیابی نیست مگر با بکارگیری تحقیقات علمی در بازارهای مورد نظر که قصد صادرکننده به صدور کالا و خدمات به آن بازارها باشد (انجام تحقیقات علمی در بازارهای هدف).

بطور کلی، توسعه صادرات امریست که نیاز به بسیج ملی با استفاده از کلیه امکانات دولتی و غیر دولتی دارد. در این راستا، آنچه که بیش از همه

**صادرات، فرآیندی است که بدون پوشش مناسب از طرف ارگانها و سازمانهای ذیربط هرگز به سرمنزل مقصود نخواهد رسید. وجود نظام کارآمد بانکی و ارایه‌کننده اعتبارات مالی لازم و همینطور پوشش بیمه‌ای لازم بمنظور ایجاد حاشیه امنیتی مناسب برای صادرکنندگان، امری ضروری و غیر قابل اجتناب می‌باشد.**

مهم می‌نماید، ایجاد هماهنگی و همکاری میان کلیه سازمانهایی است که به نوعی از آنها با موضوع صادرات ارتباط پیدا می‌کنند.

وضع قوانین جدید می‌تواند به سهولت روند کار صادرکنندگان کمک نماید، اما بسیاری از قوانین موجود نیز نیاز به اصلاح و بازنگری دارند. مهمترین دلیل بر این امر تغییر شرایط زمانی و تغییر ساختار در عرصه تجارت بین‌المللی می‌باشد که لزوم بازنگری در قوانین را دوچندان می‌نماید. در این راستا می‌توان به لزوم اعزام کارشناسان متخصص از طرف دولت به منظور بررسی قوانین و مقررات سایر کشورهای پیشرفته و بررسی علل پیشرفت و موفقیت کشورهای مذکور در تهیه الگوی مناسب برای توسعه صادرات غیرنفتی اشاره کرد. بی شک الگوبرداری از کشورهایی که در امر توسعه صادرات موفق بوده‌اند یکی از راههای پیشرفت در صادرات می‌باشد. بهترین نمونه این کشورها که شباهت‌های بیشتری نیز با فرهنگ و آداب و رسوم ما دارند، کشورهای آسیای جنوب شرقی و خصوصاً گروه کشورهای معروف به بره‌های آسیا می‌باشند. البته لازم به ذکر است که انتخاب کارشناسان باید با ظرافت و دقت و وسواس خاصی صورت گیرد تا اینگونه اعزام‌ها را از حالت

مأموریت‌های تشریفاتی اداری خارج کند. از آنجائیکه صادرات روی دیگر سکه تولید است؛ بنابراین، افزایش امکانات تولیدی در واقع به معنای قدرت بخشیدن به بخش صادرات است و از طرفی، چرخ‌های تولید تنها با سرمایه‌گذاری به حرکت در می‌آیند. بنابراین تشویق سرمایه‌گذاری در این بخش یعنی افزایش صادرات در این راه بنابراین از تشویق سرمایه‌گذاران خارجی نیز نباید غفلت کرد.

با توجه به خطرات حاصل از اقتصاد تک محصولی کشور، شکی نیست که صادرات باید بعنوان یک موتور توسعه و اقتصاد کشور به رسمیت شناخته شود و فارغ از هر موضوع دیگر، بعنوان پایگاهی اساسی در اقتصاد کشور تعریف گردد. در این راستا، لازم است نهادها و دستگاه‌های ذیربط بیش از گذشته با یکدیگر همکاری کنند و بخش تعاونی و خصوصی را به حرکت درآورند، تشکلهای ایجاد کنند و نیز در آموزش و تحقیق و پژوهش، طرحی نو در اندازند و تحول اساسی را بعنوان یک هدف متعالی در برنامه کار خود قرار دهند.

در پایان امید است فعالیت صادرات غیرنفتی کشور از رشد چشمگیری برخوردار گردد و کشور را از حالت اتکابه اقتصاد تک محصولی رها سازد. مطمئناً این امر امکان ندارد مگر با همت و تلاش و برنامه ریزی جامع و منسجم دولت محترم جمهوری اسلامی ایران و همکاری و هماهنگی بیشتر کلیه فعالان بخش صادرات و تولیدکنندگان و سازمانها و ارگانهای مختلف ارائه دهنده خدمات برای مهیا کردن بستر مناسب فعالیت‌های صادراتی.

به امید روزی که در پیچه چاههای نفت رابیندیم و به درآمدهای حاصل از صادرات غیرنفتی تکیه کنیم؛ انشاء...

#### منابع:

- مجموعه مقالات اولین همایش سیاست‌های بازرگانی و تجارت بین‌المللی - ناشر: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی - چاپ ۷۷
- نشریه اتاق بازرگانی، صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران - شماره شهریور ۷۹